



گفت‌وگوی «وطن امروز» با ایرج مسجدی درباره مدیریت استراتژیک سردار سلیمانی در بسیج مردم عراق و سوریه در برابر تروریسم تکفیری - صهیونیستی

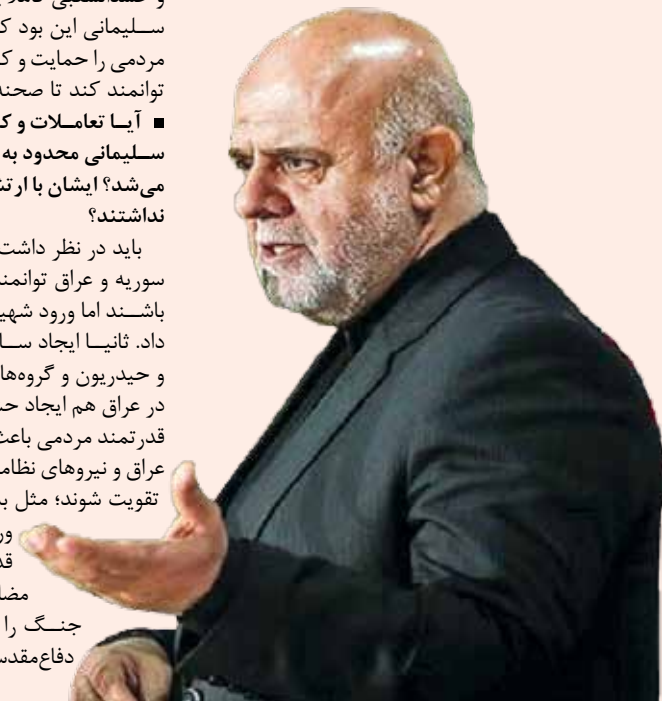
مدیریت اقتدار

ایشان کرد، هم از جهت مدیریتی و مستشاری و هم از جهت پشتیبانی‌های لجستیکی و آموزشی و... در گروه‌ها و جریانات مقاومت توان بسیار زیادی ایجاد و قدرت‌افزایی شد و سازماندهی قوی‌تری به وجود آمد. طبیعتاً نقش سردار سلیمانی در تقویت جبهه مقاومت بسیار بارز و روشن است. این اتفاق در فلسطین، لبنان، عراق و جبهه‌های دیگر هم رخ داد. شما نتیجه تلاش شهید سلیمانی را می‌توانید در جنگ غزه به طور کامل مشاهده کنید. زمانی فلسطینی‌ها با دست خالی و سنگ و امکانات بسیار محدود یا تسلیحات بسیار ساده از خود دفاع می‌کردند اما در دوره‌ای که شهید سلیمانی ورود کرد، جبهه مقاومت فلسطین را چنان قدرتمند کرد که رژیم صهیونیستی را کاملاً منفلت کردند؛ این حاصل زحمات و تلاش‌های شهید سلیمانی است. البته برای این حمایت‌ها محدودیت‌های بسیار زیادی وجود داشت اما نقش بارز شهید سلیمانی این بود که توانست با وجود این مسائل جبهه مقاومت را تقویت کند. یکی از راهبردهای اصولی سیاست جمهوری اسلامی دفاع از فلسطین و مقاومت فلسطینیان در ابعاد مختلف است. بنسبت به شرایط خود فلسطینی‌ها بر اساس موقعیت و وضعیتی که دارند ممکن است

این حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها هم از نظر سیاسی و هم از نظر لجستیکی و ابعاد دیگر متفاوت باشد اما باید در نظر داشت که مقاومت فلسطین هر کجا که باشد، برای ما تفاوتی نمی‌کند؛ چه در غزه یا کرانه باختری یا هر جای دیگر، مورد حمایت جمهوری اسلامی است. شما ۵ سال سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق بودید؛ بفرمایید به طور ویژه سردار سلیمانی در عراق چگونه جلوی پیشروی داعش را گرفت و تدابیر ایشان در این زمینه چه بود؟

در موضوع عراق گروه‌های تروریستی و مشخصاً داعش موفق شدند بخش عظیمی از آن کشور را اشغال و برای خود قدرت ایجاد کنند اما ورود شهید سلیمانی به عراق معادله را تغییر داد. به این دلیل که ایشان با کمک شهید ابومهدی مهندس و بر اساس فتوای مرجعیت عالیقدر نجف اشرف آیت‌الله سیستانی یک جمعیت عظیم نیروهای مردمی به نام حشدالشعبی ایجاد کرد و این نیروها آموزش دیدند و سازماندهی و پشتیبانی شدند و یک سازوکار بسیار توانمند در کنار ارتش عراق قرار گرفت. به این ترتیب معادله جنگ کاملاً عوض شد و نیروهای مقاومت یکی پس از دیگری مناطق تصرف شده توسط داعش را آزاد کردند تا آنجا که سرزمین‌های عراق با کمک نیروهای مسلح عراقی و حشدالشعبی کاملاً پاکسازی شد. بنابراین نقش شهید سلیمانی این بود که موفق شد یک جریان قدرتمند مردمی را حمایت و کمک و آنها را برای مقابله با داعش توانمند کند تا صحنه و معادله جنگ را تغییر دهند. آیا تعاملات و کمک‌های سپاه قدس و سردار سلیمانی محدود به تقویت و تجهیز نیروهای مردمی می‌شد؛ ایشان با ارتش عراق و سوریه همکاری نظامی نداشتند؟

باید در نظر داشت اولاً نیروهای مسلح و ارتش‌های سوریه و عراق توانمند بودند و اینطور نبود که ضعیف باشند اما ورود شهید سلیمانی به آن نیروها روحیه داد. ثانیاً ایجاد سازمان‌های مقاومت مثل فاطمیون و حیدریون و گروه‌های دیگر در کنار ارتش سوریه و در عراق هم ایجاد حشدالشعبی به عنوان یک جریان قدرتمند مردمی باعث شد نیروهای مسلح سوریه و عراق و نیروهای نظامی کلاسیک عراق و سوریه هم تقویت شوند؛ مثل بسیج ایران در زمان دفاع مقدس. ورود بسیج در جنگ هم به سپاه قدرت داد و هم در ارتش توانمندی مضاعفی ایجاد کرد، بنابراین معادله جنگ را بنا بر ورود نیروهای مردمی در دفاع مقدس تغییر دادیم. شهید سلیمانی



روایت هم‌وزم و دوست قدیمی شهید ابومهدی مهندس از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان

فرمانده بی‌تکلف

زمانی که حاج‌ابومهدی و حاج‌قاسم سلیمانی برای انجام عملیات حرکت می‌کردند، در صندلی‌های عقب خودرو می‌نشستند و معمولاً قرآن به دست داشتند و گاهی هم آیات قرآن را قرائت می‌کردند. حتی حاج‌ابومهدی هر زمان که از مسأله‌ای ناراحت می‌شد، برای رسیدن به آرامش قرآن می‌خواند. در سال‌های آخر حیات حاج‌ابومهدی با او ارتباط نزدیک‌تری داشتم و شاهد بودم در ماه‌های رجب و شعبان روزه می‌گرفت و معمولاً غذای سبک می‌خورد. یادم هست حاج‌ابومهدی به خرما بسیار علاقه داشت؛ یک شنبلیله با هم به ملاقات یکی از مجاهدان من بیمار شده بود، رفتم. بعد از آن حاج‌ابومهدی با من به مقر آمد و در دفتر نشستیم و درباره کار صحبت کردیم. یک جعبه خرما را که یکی از دوستانتانم برایم آورده بود مقابل حاج‌ابومهدی گرفتم تا چند خرما بردارد اما با همان روحیه همیشگی شروع کرد شوخی کردن و گفت چند خرما فایده‌ای ندارد، کل جعبه

زمانی که کشورهای عراق و سوریه مورد تهاجم وحشیانه گروهک تروریستی داعش قرار گرفتند، ارتش‌های این ۲ کشور برای مقابله با این گروه دچار مشکلات عدیده‌ای شدند. تحلیلگران بسیاری معتقدند اگر ورود مستشاری جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در این ۲ کشور نبود، تجزیه این ۲ کشورها قطعی بود اما سپاه قدس انقلاب اسلامی به دعوت دولت‌ها با دست خالی و سنگ و امکانات بسیار محدود یا تسلیحات بسیار ساده از خود دفاع می‌کردند اما در دوره‌ای که شهید سلیمانی ورود کرد، جبهه مقاومت فلسطین را چنان قدرتمند کرد که رژیم صهیونیستی را کاملاً منفلت کردند؛ این حاصل زحمات و تلاش‌های شهید سلیمانی است. البته برای این حمایت‌ها محدودیت‌های بسیار زیادی وجود داشت اما نقش بارز شهید سلیمانی این بود که توانست با وجود این مسائل جبهه مقاومت را تقویت کند. یکی از راهبردهای اصولی سیاست جمهوری اسلامی دفاع از فلسطین و مقاومت فلسطینیان در ابعاد مختلف است. بنسبت به شرایط خود فلسطینی‌ها بر اساس موقعیت و وضعیتی که دارند ممکن است

جناب آقای مسجدی! آشنایی شما با حاج‌قاسم سلیمانی از چه سالی بود و چطور با ایشان آشنا شدید؟ آشنایی من با سردار سلیمانی ۲ مقطع داشت؛ یکی دوره دفاع مقدس و زمان جنگ بود و دوم زمانی که ایشان به عنوان فرمانده نیروی قدس منصوب شد. من در این مقطع به عنوان رئیس ستاد ایشان در نیروی قدس خدمت‌شان بودم و تا زمان شهادت‌شان با هم همکاری و دوست بودیم. یک دوره ۵ ساله هم که من سفارت بودم و بنا به خواست شهید سلیمانی بود که در آنجا خدمت می‌کردم. در همان مقطع هم شهادت ایشان اتفاق افتاد.

رهبر حکیم انقلاب فرمودند کار بزرگ شهید سلیمانی حفظ و احیای جبهه مقاومت در منطقه بود؛ شهید سلیمانی چگونه این کار را انجام دادند؟ مبارزات جریان مقاومت علیه رژیم صهیونیستی از مدت‌ها قبل جریان داشت و قبل از اینکه شهید سلیمانی به نیروی قدس تشریف بیاورد و فرماندهی و مدیریت این کار را به دست بگیرد هم این مبارزات بود اما با آمدن سردار سلیمانی جبهه مقاومت بسیار توانمندتر و قدرتمندتر شد و به دلیل تلاش‌هایی که

از این تجربه ارزشمند استفاده کرد و در این مناطق هم با کمک نیروهای مردمی پیش رفت. چون نیروهای مردمی هم انگیزه دارند و هم برای جنگ‌های چریکی در مقابل گروه‌های اعرابی که آنها هم چریک هستند، بسیار می‌توانند مبارزان خوب و موفق باشند اما نقش نیروهای مسلح عراق را نمی‌توان نادیده گرفت. ارتش عراق در راه مبارزه با داعش شهدای بسیار زیادی داد با کمک حشدالشعبی سرنجام موفق شدند این پیروزی‌ها را به دست آورند.

کمک‌های حاج‌قاسم و سپاه قدس به ارتش عراق، صرفاً در حوزه مستشاری و مشورت‌های نظامی بود یا فراتر هم رفت؟

خیراً فراتر بود. کمک‌های سردار سلیمانی به نیروهای نظامی عراق، هم در حوزه مشاوره و کمک در مدیریت و طراحی بود و هم در رابطه با بحث‌های لجستیکی و پشتیبانی و امکاناتی همکاری‌های خوبی با وزارت دفاع عراق داشتند و تمام اینها بنا به درخواست مقامات و مسؤولان عراقی بود.

اشاره فرمودید که در بحث مبارزه با داعش در عراق، فتوای آیت‌الله العظمی سیستانی نقش ویژه‌ای داشت و سردار سلیمانی از همین فتوا برای بسیج مردم عراق استفاده کرد. در همین رابطه از ارتباط سردار سلیمانی با آیت‌الله سیستانی بفرمایید.

حضرت آیت‌الله سیستانی مرجعیت عالی نجف اشرف در شهادت سردار سلیمانی پیامی داد که این پیام کاملاً گویای همین موضوع است. شهید سلیمانی مورد علاقه آیت‌الله سیستانی بود که این نکته را می‌رساند اینکه شهید سلیمانی به عنوان یک فرد مجاهد برای خدمت به مردم عراق جانش را فدا کرده بود، درک شده بود. در رابطه با ارتباط شهید سلیمانی و آقای سیستانی آنچه می‌توانم بگویم این است که شهید سلیمانی کاملاً به دیدگاه‌ها، نظرات و آرا و ملاحظاتی مرجعیت بزرگوار نجف اشرف دقت داشت و فتاوی ایشان درباره کمک به نیروهای مسلح عراق به مردم را به صورت میدانی دنبال می‌کرد و با کمک شهید ابومهدی و باقی فرماندهان حشدالشعبی این موضوع را به منصفه ظهور رساند که گویای این بود که این رابطه یک رابطه کاملاً معنوی است.

زمانی که سردار سلیمانی در فرودگاه بغداد توسط ارتش آمریکا ترور شد، شما سفیر وقت ایران در عراق بودید. علت سفر حاج‌قاسم به عراق و برنامه ایشان در آن سفر چه بود؟ شهید سلیمانی به طور مرتب به بغداد و عراق برای کمک می‌آمد و آن سفر، سفر اولش نبود. ایشان مکرر به سوریه و عراق برای کمک به جبهه رفت و آمد داشت و در میادین جنگ حضور پیدا می‌کرد. این بار هم که ایشان می‌خواستن باید قرار بود آخر شب با پرواز سوریه به بغداد تشریف بیاورد و صبح روز بعد با نخست‌وزیر عراق، عادل عبدالمهدی برای صبحانه جلسه ملاقات داشت. شهید سلیمانی هر زمانی که به عراق می‌آمد کاملاً با هماهنگی و با اطلاع و دعوت دولت عراق بود، یک ورود کاملاً رسمی بود. آن شب هم یک دلیل این بود که نخست‌وزیر آماده بود که صبح آقای سلیمانی که می‌آید استراحت کند و بعد ایشان را ملاقات کند. من آن زمان مطلع بودم که شهید سلیمانی دارد تشریف می‌آورد. سفارت بودم که متأسفانه آخر شب این خبر به ما رسید که خودروهای سردار سلیمانی و ابومهدی مورد حمله آمریکایی‌ها قرار گرفته است.

صهیونیست‌ها در اقلیم کردستان بودیم؛ حاج‌قاسم سلیمانی نسبت به این اقلیم چه سیاستی را چه در زمان حضور داعش و چه بعد از آن دنبال می‌کردند؟ به خاطر دارم وقتی داعش حملاتی را علیه اقلیم کردستان انجام داد و حتی بعضی شهرهای اقلیم به تصرف داعشی‌ها در آمد، شهید سلیمانی در اربیل حضور پیدا کرد و با آقای بارزانی در محل اقامتی مسعود بارزانی ملاقات کرد و به او قول داد ما کمک می‌کنیم و شما نگران نباشید. بلافاصله با پیگیری‌هایی که توسط ایشان شد، هم نیروهای ما و هم تجهیزات جمهوری اسلامی وارد عمل شدند و به پیشمرگان کرد عراقی کمک و اقلیم کردستان را از دست تروریست‌های داعش آزاد کردند. در دوره حیات ایشان چون بیشتر جنگ

مبارزات جریان مقاومت از مدت‌ها قبل جریان داشت؛ این مبارزات جبهه مقاومت بسیار توانمندتر و قدرتمندتر شد و به دلیل تلاش‌های ایشان، هم از جهت پشتیبانی‌های لجستیکی و آموزشی در گروه‌ها و جریانات و قدرت‌افزایی شد و سازماندهی قوی‌تری به وجود آمد.

تبدیل می‌شد. کاملاً سرشار از عظمت و مهربانی و بسیار دوست‌داشتنی. شهید سلیمانی شخصیت متضادی داشت. در کار بسیار جدی بود و در زمان غیر کار بسیار بسیار سختگیری می‌کرد و خودش هم می‌گفت این سختگیری به خاطر این است که کار پیش برود، اگر نه من هیچ کس مشکل شخصی ندارم. از سوی دیگر وقتی بحث کار و مأموریت تمام می‌شد، به یک انسان دیگری



با داعش مطرح بود، این اتفاقات اخیر پیش نیامد یا اگر اتفاقی می‌افتاد با صحبت‌هایی که با رهبران اقلیم کردستان و مسؤولان آنجا می‌شد، قضیه برطرف می‌شد اما در مقطع اخیر متأسفانه گروه‌های ضد انقلاب که از قبل پایگاه‌هایی در آنجا داشتند، تقویت شده‌اند و بدتر اینکه عملیات‌هایی را علیه جمهوری اسلامی بغداد و اقلیم تدارک داده شد که باید جلوی این اقدامات گرفته شود و نتیجه نداد، سپاه پاسداران هم مستقیماً وارد عمل شد و به مقر ضدانقلاب حمله کرد.

پس از شهادت سردار سلیمانی بسیاری از تحلیلگران و حتی سیاستمداران آمریکا این اقدام ترامپ را احقانه و برای منافع و امنیت آمریکا خطرناک خواندند. به رغم علم آنها به هزینه سنگین این اقدام به نظر شما چرا آنها دست به این اقدام، وحشتناک زدند؟

ترامپ و دولت آمریکا با نظام استخباری و صهیونیستی حاکم بر دنیا که ترامپ در آن مقطع آن را مدیریت می‌کرد، به این نتیجه رسیدند که شهید سلیمانی مانع پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استخباری آنها در منطقه است. سایه شهید سلیمانی را هر جا که می‌رفتند، احساس می‌کردند. بنا بر این آنها برای اینکه این تهدید و خطر را از نظر خودشان از سر راه بردارند، تصمیم به حذف فیزیکی این شهید عزیز گرفتند و ایشان را به شهادت رساندند، بنابراین در یک جمله می‌گویم که آمریکایی‌ها همه قوانین و مقررات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و مسائل این چنینی را زیر پا گذاشتند و هزینه همه این مسائل را پذیرفتند، به خاطر اینکه این سد محکم و مانع بزرگ به نام شهید سلیمانی را که جلوی خود احساس می‌کردند، حذف کنند.

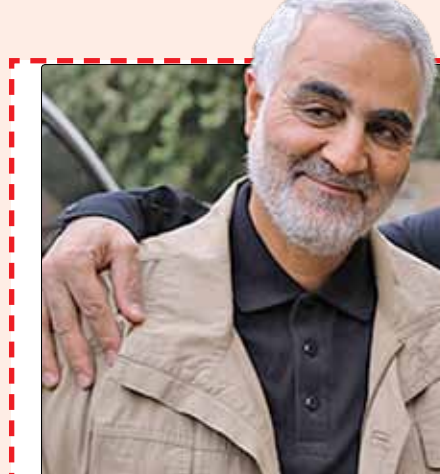
با توجه به همکاری و ارتباط طولانی شما با شهید سلیمانی، از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ایشان چه چیز مورد توجه‌تان قرار می‌گرفت؟

ما ۲۰ سال روزانه با هم بودیم. در طول مدتی که ایشان به نیروی قدس آمد تا زمان شهادت ایشان مرتب با هم بودیم. روزها، شب‌ها، مأموریت‌ها، ملاقات و جلسات با هم بودیم. تمام این دوره طولانی پر از خاطراتی است که با این شهید عزیز داشتیم.

شهید سلیمانی ویژگی‌های مهمی داشت. در کار بسیار جدی بود، با بنده و همکاران دیگر و فرماندهان در کار بسیار سختگیری می‌کرد و خودش هم می‌گفت این سختگیری به خاطر این است که کار پیش برود، اگر نه من هیچ کس مشکل شخصی ندارم. از سوی دیگر وقتی بحث کار و مأموریت تمام می‌شد، به یک انسان دیگری

تبدیل می‌شد. کاملاً سرشار از عظمت و مهربانی و بسیار دوست‌داشتنی. شهید سلیمانی شخصیت متضادی داشت. در کار بسیار جدی بود و در زمان غیر کار بسیار بسیار سختگیری می‌کرد و خودش هم می‌گفت این سختگیری به خاطر این است که کار پیش برود، اگر نه من هیچ کس مشکل شخصی ندارم. از سوی دیگر وقتی بحث کار و مأموریت تمام می‌شد، به یک انسان دیگری

تبدیل می‌شد. کاملاً سرشار از عظمت و مهربانی و بسیار دوست‌داشتنی. شهید سلیمانی شخصیت متضادی داشت. در کار بسیار جدی بود و در زمان غیر کار بسیار بسیار سختگیری می‌کرد و خودش هم می‌گفت این سختگیری به خاطر این است که کار پیش برود، اگر نه من هیچ کس مشکل شخصی ندارم. از سوی دیگر وقتی بحث کار و مأموریت تمام می‌شد، به یک انسان دیگری



همان دست اول مرا برد. من هم به شوخی به او گفتم دیگر پشت سر شما نماز نمی‌خوانم، دیگر از نظر من عدالت ندارد! آخر شما با یک مستضعفی که هیچ بلد نیست اینگونه بازی می‌کنید که برنده شوید! این را که گفتم با هم خندیدیم. ایشان به صورت کلی رابطه صمیمی و بدون تکلفی با دوستانش داشت. راحت می‌شد با ایشان حرف زد و شوخی کرد، چرا که واقعا آدم دلنشینی بود.

تا به امروز آنها را بیان نکرده‌ایم؛ آنقدر که در بیان و کلماتش به خانواده و فرزندان و نوه‌هایش عشق‌ورزی می‌کرد. حاج‌ابومهدی خیلی خوش‌رو و بسیار خوش‌اخلاق بود. اگر یک مدتی ایشان را نمی‌دیدیم، دل‌مان برایش تنگ می‌شد. در دفتر کارش، میز پینگ‌پنگ گذاشته بود. یک بار به من گفت بیای پینگ‌پنگ بازی کنیم. من نخستین‌بار بود که پینگ‌پنگ بازی می‌کردم. در